هنگامى كه ابو بكر مى‏خواست فدك را از دست فاطمه عليها السّلام خارج كند در حالى كه در دست او بود آن حضرت به آنها فرمود: «آيا در دست من نبود و وكيل من در آن نبود و در زمان حيات پيامبر صلى اللَّه عليه و آله غلّه آن را نخورده بودم»؟ گفتند: بلى.

فرمود: «پس چرا در مورد چيزى كه در دست من است از من دليل و شاهد مى‏خواهيد»؟

گفتند: چون غنيمت مسلمانان است، اگر شاهد آوردى به تو مى‏دهيم و گر نه امضا نمى‏كنيم!

فاطمه عليها السّلام- در حالى كه مردم در اطراف آن دو نفر مى‏شنيدند- فرمود: «مى‏خواهيد كارى كه پيامبر صلى اللَّه عليه و آله كرده رد كنيد و در باره ما بخصوص حكمى جارى كنيد كه در باره ساير مسلمين انجام نداده‏ايد؟ اى مردم، بشنويد آنچه اين دو مرتكب مى‏شوند. چه نظر مى‏دهيد اگر من اموالى را كه در دست مسلمين است ادّعا كنم، آيا از من شاهد مى‏خواهيد يا از آنها»؟ گفتند: البته از تو مى‏خواهيم.

فرمود: حال اگر همه مسلمانان، آنچه در دست من است ادّعا كنند از آنها شاهد مى‏خواهيد يا از من؟

عمر غضبناك شد و گفت: اين غنيمتى است براى مسلمين و زمين آنها است، و آن در دست فاطمه است و محصول آن را مى‏خورد. اگر شاهدى بر ادعاى خود آورد كه پيامبر از بين مسلمين اين غنيمت و حقّشان را به فاطمه بخشيده در اين باره تجديد نظر مى‏كنيم.

حضرت زهرا عليها السّلام فرمود: مرا بس است! اى مردم شما را بخدا قسم مى‏دهم، آيا از پيامبر صلى اللَّه عليه و آله نشنيديد كه مى‏فرمود: «دخترم فاطمه سيّده زنان اهل بهشت است»؟

گفتند: آرى بخدا قسم اين را از پيامبر صلى اللَّه عليه و آله شنيديم.

فرمود: «آيا سيده زنان اهل بهشت ادّعاى باطل مى‏كند و آنچه حقّش نيست مى‏گيرد؟ اگر چهار نفر بر عليه من به فحشا شهادت دهند يا دو نفر به سرقت شهادت دهند، آيا سخن آنان را بر عليه من تصديق مى‏كنيد»؟

در اينجا ابو بكر ساكت شد،

ولى عمر گفت: آرى، و بر تو حدّ جارى مى‏كنيم!!!

فرمود: دروغ گفتى و لئامت (پَستى) خود را ثابت كردى، مگر آنكه اقرار كنى بر دين محمد صلى اللَّه عليه و آله نيستى. كسى كه شهادتى را بر عليه سيده زنان اهل بهشت قبول مى‏كند يا حدّى را بر او جارى مى‏نمايد ملعون است و به آنچه خدا بر محمّد صلى اللَّه عليه و آله نازل كرده كافر است، زيرا كسانى كه خداوند همه بديها را از آنان برده و آنان را پاك گردانيده شهادتى بر عليهشان روا نيست، چون از هر بدى معصوماند و از هر فحشائى پاك شده‏اند. اى عمر، در باره اهل اين آيه (آيه تطهير) به من خبر ده، اگر قومى بر عليه آنان يا يكى از ايشان نسبت شرك يا كفر يا فحشا دهد آيا مسلمانان از ايشان برائت مى‏جويند و بر آنها حدّ جارى مى‏كنند؟

عمر گفت: آرى، آنان با ساير مردم در اين باره يكى هستند.

فرمود: «دروغ گفتى و كافر شدى، آنها با ساير مردم در اين باره يكى نيستند، زيرا خداوند آنان را معصوم قرار داده و در باره عصمت و طهارت آنان آيه نازل كرده و همه بديها را از ايشان برده است. پس هر كس بر عليه آنان مطلبى را تصديق كند خدا و رسولش را تكذيب نموده است».

ابو بكر گفت: اى عمر، تو را قسم مى‏دهم كه ساكت باشى!